

سلسله مراتب محرمیت در مساجد ایرانی^{۱*}

صاحب محمدیان منصور**

کارشناس ارشد معماری، همدان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۱۰/۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۵/۱۱/۷)

چکیده:

"اصل سلسله مراتب" یکی از اصول بنیادین حاکم بر جهان هستی است. این اصل در زمینه هنر های سنتی بسیار مورد توجه و حائز اهمیت است و این توجه و اهمیت نشان از جایگاه این اصل در شاکله تفکر سنتی دارد. لذا در این نوشتار ابتدا به تبیین جایگاه سلسله مراتب در علوم و معارف سنتی و اسلامی- ایرانی، پرداخته شده تا ابعاد مختلف و وجوه و جنبه های آن وضوح بیشتری بیابد و پس از آن نیز به منظور بررسی یکی از وجوه سلسله مراتبی تحت عنوان "سلسله مراتب محرمیت" در مساجد ایرانی به گونه بندی مساجد در نحوه ورود به صحن و مقایسه این نحوه ورود با نحوه ورود به ایوان و گنبد خانه پرداخته شده است. در نهایت چنین نتیجه می شود که تمهیداتی همچون "سلسله مراتب محرمیت" در مساجد ایرانی، احساس قرار گرفتن در ساحتی دیگرگونه را برای مخاطب تشدید می نمایند و در جریان سلوک و انتقال مخاطب از ساحتی به ساحت دیگر دخیل و موثرند. به عبارت دیگر معماری می تواند در جریان ارتباط نفس ذی وجود انسانی با مراتب عالی وجود دخیل و موثر بوده و تسهیل کننده ادراکات معنوی و عرفانی باشد.

واژه های کلیدی:

سلسله مراتب، سلسله مراتب محرمیت، علوم سنتی، مساجد ایرانی.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد معماری نگارنده با عنوان "معماری مسجد از مفهوم تا مصداق، طراحی مسجد کوی دانشگاه تهران" می باشد که در شهریور ماه سال ۱۳۸۵ به راهنمایی جناب آقای دکتر مهدی حجت در دانشکده معماری پردیس هنر های زیبای دانشگاه تهران به انجام رسیده است.

** تلفن: ۰۸۱۱-۲۵۲۰۶۴۷، نامبر: ۰۸۱۱-۲۵۱۲۳۹۷، E-mail: saheb1357@yahoo.com

مقدمه

بخواهد با این معراج و رجعت سماع گونه هم سرایی کند می‌بایست از منازل و سلسله مراتبی متناظر برخوردار گردد و این سلسله مراتب به دلیل برقراری ارتباط بین ساحت‌های وجودی متمایز می‌بایست از لایه‌ها و وجوهی مکمل و چندگانه برخوردار باشند.

وجوه مختلف سلسله مراتبی هر کدام به گونه‌ای و بر بخشی از ابعاد وجودی انسان موثرند و در عین حال نیز تأثیری متقابل و در هم تنیده بر هم دارند که در مجموع اثری شگرف در اعماق وجود انسان به جا می‌گذارند.

ابعاد متنوع و گوناگون سلسله مراتب نظیر سلسله مراتب فرمی، سلسله مراتب عملکردی، سلسله مراتب فضایی و بصری و ... در ابنیه سنتی و بالاخص مذهبی اکثر نقاط جهان به وضوح قابل شناسایی است و صاحب نظران و اندیشمندان در این باب نکات ارزنده‌ای را مرقوم نموده‌اند^۱، اما سطح عالی و نامکشوف دیگری از سلسله مراتب نیز در معماری مساجد ایرانی وجود دارد که به تعبیری می‌تواند زاییده سلوک عرفانی و برآمده از فرهنگ معماری ایرانی باشد. در این نوشتار این تمهید عارفانه را به اختصار "سلسله مراتب محرمیت" نام نهادیم که در ادامه به تبیین و بررسی آن می‌پردازیم.

اما از آنجا که معماری مظهر و تجلی عینی اندیشه‌های انسان‌ها می‌باشد لذا چنین می‌نماید که جهت شناخت معماری گذشتگان می‌بایست رجوعی به اندیشه‌های حاکم بر اذهان مردمان آن اعصار داشته باشیم و از آنجا که معماری مسجد بیش از هر معماری دیگر با غنی‌ترین ابعاد وجودی انسان در تعاملی دو سویه است لذا لزوم پرداخت به اندیشه حاکم بر تفکر معماران و سازندگان آن دو چندان می‌نماید.

پس در این راستا اندیشیده اینست که ابتدا به بررسی و شناخت جایگاه اصل سلسله مراتب در علوم و معارف سنتی و اسلامی-ایرانی بپردازیم و در ادامه نیز به مدد این شناخت، موضوع "سلسله مراتب محرمیت" را در گونه‌ای خاصی از مساجد ایرانی که در دوران سلجوقی و بعد از آن نضج می‌گیرد بررسی نماییم.

سلسله مراتب یکی از اصول اساسی به کار رفته در هنرهای سنتی است. این هنرها نه تنها در ساختار شکل‌گیری خود مبتنی بر اصول سلسله مراتبی هستند، بلکه با هارمونی ساری و جاری در عالم و سلسله مراتب وجودی‌ای که بالاتر از مرتبه مادی مربوط به آن قرار دارد نیز منطبق و هماهنگ می‌باشند (نصر، ۱۳۸۰، ۲۱۰).

این مسئله مبین آنست که سلسله مراتب به کار رفته در هنرهای سنتی دارای وجوه و جنبه‌های گوناگون و متفاوتی است؛ سلسله مراتب به کار رفته در ساخت یک کوزه سفالی^۲ و سلسله مراتبی که سی مرغ منطق الطیر برای رسیدن به سیمرغ وجودشان طی می‌نمایند، وجوه گوناگونی از اصل سلسله مراتب در مقوله هنرهای سنتی و اسلامی-ایرانی است. به طور کلی باید گفت هر چه که یک موضوع از غموض و پیچیدگی بیشتری برخوردار باشد، سلسله مراتب موجود در آن نیز دارای وجوه و جنبه‌های بیشتری می‌گردد.

مسجد یکی از این موضوعات غامض و پیچیده هنر معماری است چرا که مکان تعامل نفس انسانی با مراتب عالی‌عالم وجود می‌باشد و هر مسجدی به نیابت از مسجد الحرام و مسجد الاقصی می‌بایست معراجگاه و رجعتگاه نفس‌ذی‌وجود انسانی باشد. به بیان دیگر معماری مسجد می‌بایست تسهیل‌کننده و تشدیدکننده^۳ عروج از نازل‌ترین مرتبه هستی به عالی‌ترین مراتب آن باشد.

"این عروج و سیر و سلوک به معنای انتقال از مقامی به مقام دیگر، از اسمی به اسم دیگر و از تجلی‌ای به تجلی دیگر می‌باشد." (نصری، ۱۳۶۳، ۲۲۴) اما از آنجا که این انتقال بین دو ساحت وجودی کاملاً متمایز روی می‌دهد گریز و گزیری غیر از پیمودن منازل رابط و سلسله مراتب وصول وجود ندارد. و در واقع این خصوصیات خاص و متمایز هر منزل است که لزوم وجود منازل واسطه و رابط را که در بعضی از وجوه شباهت‌هایی به مرتبه پایین‌تر و در بعضی وجوه شباهت‌هایی به مرتبه بالاتر دارند را ایجاد می‌نماید و امکان‌گذار و انتقال‌را مقدور می‌نمایند.

معماری مسجد به عنوان محمل چنین وصولی چنانچه

جایگاه سلسله مراتب در علوم و معارف سنتی و اسلامی- ایرانی

نموده و از حضرات پنجگانه و یا ششگانه سخن گفته و این حضرات را بر اساس نحوه تجلی خداوند تقسیم بندی کرده‌اند.^۷ (کاکایی، ۱۳۸۱، ۵۴۹)

"عرفا نیز مراتب اصلی وجود را پنج مرتبه می‌دانند و آن را "حضرات الهیه" می‌نامند. حکمای اسلامی از سهروردی به بعد نیز همین تقسیم بندی را پذیرفته‌اند، اما عموماً اصطلاحات دیگری را برای شرح و بیان هر مرتبه به کار برده‌اند." (نصر، ۱۳۷۵، ۱۷۵) حکیم صدر المتالهین شیرازی نیز این مراتب را در سه مرتبه محسوس، متخیل و معقول طبقه بندی می‌نماید (ندیمی، ۱۳۷۸، ۸) و چنین اظهار می‌دارد:

نیست موجودی در این عالم، مگر آنکه برای آن نفسی است در عالم دیگری به نام عالم نفس (عالم خیال) و عقلی است در عالمی دیگر به نام عالم عقل. ... زیرا مابین امر ثابت الذات محض (یعنی عقل) و امر متجدد محض (یعنی طبیعت) مناسبتی تحقق نمی‌یابد مگر به وساطت موجودی مانند نفس که دارای دو وجه ثابت و متغیر باشد^۸ (ملاصدرا، ۱۳۷۵، ۲۳۲).

همانطور که ملاصدرا نیز صراحتاً بیان می‌دارد، مراتب واسطه که از وجهی با مرتبه پایین‌تر و از وجهی با مرتبه بالاتر متشابهند، همچون دانه‌های زنجیر مرتبط کننده و برقرار کننده ارتباط مراتب نامتجانسند و بدین قرار باید گفت اصل سلسله مراتب از اصول بنیادین مباحث هستی‌شناسی و وجود شناسی است.

در مباحث هستی‌شناسی انسانی^۹ و شناخت عالم صغیر نیز اصل سلسله مراتب جایگاهی مهم و قابل توجه دارد. اخوان الصفا در تشابه بین عالم صغیر و عالم کبیر و سلسله مراتب آن سخن فراوان گفته‌اند. علاوه بر ایشان مسئله تشابه بین عالم صغیر و عالم کبیر در کتب ابن عربی و شاگردانش مانند صدرالدین قونوی به نحو مشروح مطرح شده است (نصر، ۱۳۵۹، ۱۱۱).

البته باید گفت تشابه بین عالم صغیر و عالم کبیر به جهان‌شناسی اسلامی محدود نیست بلکه در عقاید یونانیان، مسیحیان، چینیان و هندیان قدیم نیز یافت می‌شود و حاوی تمثیلاتی است که با قدرت و زیبایی خود می‌تواند روح انسان را به معانی مافوق عالم محسوسات بکشاند و بنابراین محدود به جهان‌شناسی طبیعیات نیست بلکه قسمتی از علم الهیات را نیز شامل می‌شود. مفهوم "انسان کامل" عرفان اسلامی و پوروشای^{۱۰} هندوان و چن جن^{۱۱} چینیه‌ها، کلیت و عمومیت تشابه بین عالم صغیر و کبیر و اهمیت آن را در علوم گوناگون تمدن‌های مختلف به خوبی آشکار می‌سازد^{۱۲} (نصر، ۱۳۵۹، ۱۱۰).

مولانا جلال الدین در باب مسئله تشابه عالم صغیر و کبیر، عالم صغیر را حتی جامع‌تر و کامل‌تر از عالم کبیر می‌داند و این معنا را در ابیات زیر این گونه بیان می‌دارد.

سلسله مراتب یکی از اصول حاکم بر جهان هستی و عالم وجود می‌باشد. وجوه و جنبه‌های گوناگون این اصل را از منظر تمامی علوم و دانش‌های سنتی و امروزی می‌توان مورد شناسایی قرار داد. اما آنچه که در این مقال مورد توجه است بررسی و شناخت جایگاه اصل سلسله مراتب در علوم و معارف سنتی و اسلامی- ایرانی است.

در شاخه‌های مختلف علوم و معارف سنتی، اصل سلسله مراتب از جایگاهی ویژه برخوردار بوده و در بسیاری از موضوعات توجه زیادی را به خود معطوف نموده است. در مباحث مربوط به هستی‌شناسی اصل سلسله مراتب از اصول بنیادین و زیر بنایی است، تا آنجا که "در سرتاسر شاکله‌های جهان شناختی، مضمون ثابت جهان سلسله مراتبی تجلی و نمود یافته است و دارای ارتباطی عمیق با وجود باطنی انسان است. همین مضمون در جهان‌شناسی‌های حیرت‌انگیز هندوی، در متن‌های هرمتسی و قبلائی، در سنت‌های شفاهی سرخپوستان امریکایی، در آنچه که از ادیان بابلی و سومری قدیم باقی است، در میان مصریان و عملاً در هر جای دیگری دیده می‌شود" (نصر، ۱۳۸۰، ۱۶۷).

در مباحث مربوط به وجود شناسی^۵ از نتایج نظریه بنیانی وحدت وجود^۶ - که توسط ابن عربی و شاگردانش مدون گشته است- مبحث سلسله مراتب وجود است که در تاریخ حکمت و فلسفه سنتی و اسلامی- ایرانی مورد توجه بسیاری از حکما و فلاسفه بوده است. در واقع باید گفت مبحث "سلسله مراتب وجود" یکی از وجوه و جنبه‌های عمیق اصل سلسله مراتب در عالم هستی است.

"مقصود از سلسله مراتب وجود این است که کلیه موجودات عالم مانند حلقه‌های زنجیر یا پله‌های نردبان به هم پیوسته و بدون طفره از وجود محض تا عدم صرف در یک سلسله منظم قرار گرفته‌اند و مقام هر یک در این سلسله بستگی به درجه شدت و ضعف مرتبه وجودی آن دارد" (نصر، ۱۳۵۹، ۱۱۴).

صاحبان رسائل اخوان الصفا، سلسله مراتب وجود یا پیدایش کثرت از وحدت را به جاری شدن اعداد از عدد واحد تشبیه کرده‌اند و مراتب عالم که از خالق باری شروع شده و به موجودات ارضی ختم می‌شود را بدین صورت ترتیب داده‌اند: خالق، عقل، نفس، هیولی، طبیعت، جسم، خاک، عناصر، موجودات این عالم که عبارتند از: جمادات، نباتات و حیوانات (نصر، ۱۳۵۹، ۸۷-۸۸).

"محل الدین ابن عربی از حضور خدا در هر یک از این مراتب به حضرت یاد کرده است. پیروان وی پس از او بحث را منقح

پس به صورت عالم اصغر تویی
 پس به معنی عالم اکبر تویی
 این جهان چون کوزه، دل دریای آب
 این جهان چون کوچه دل شهر عجب
 چیست اندر کوزه اندر بحر نیست
 چیست اندر کوچه کاندرا شهر نیست
 مثنوی معنوی

هدهد راهبر منطق الطیر در هفت وادی طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت و فقر و فنا طی نماید و به گمانی این سلسله مراتب هفتگانه همان سلسله مراتب وجود در قوس صعود حکمایی است که این بار در نگاه عارفانه عطار ظهوری نو یافته اند.

"در ادبیات حماسی که پیوند نزدیک با عرفان دارد، باز حکایت هفت شهر، یا هفت منزل عشق را به صورت هفت خان (به معنی هفت خانه) می بینیم. در شاهنامه، رستم (رمز دل) هنگامی که می بیند شاه کیکاووس (رمز نفس ناطقه انسانی) با یارانش (قوای مختلف انسانی) همه به دست دیو سفید (رمز نفس اماره) اسیر افتاده و نابینا شده اند، به راه می افتد و در هفت مرحله با جادوگران و دیوان و ددان مبارزه می کند" (الهی قمشه ای، ۱۳۷۶، ۳۳۶-۳۳۷).

"لزوم رعایت سلسله مراتب در سیر و سلوک عرفا از اصول بدیهی است که بدون ملحوظ نمودن آن و طی منازل متوالی، وصول به مدارج عالی میسر نیست" (نقی زاده، ۱۳۷۸، ۲۷۶).

و به قول خواجه شمس الدین:

تا نگریدی آشنا زین پرده رمزی نشنوی

گوش نامحرم نباشد جای پیغام سرش
 در این طی طریق عارفانه هر منزل و هر مرتبه ای، فرد را برای رسیدن به منزل بالاتر و وصول به مقصود مهیا می نماید و این طی منازل و یا سیر و سلوک از اصول اساسی مورد تاکید عرفاست.

تعیین سلسله مراتب در معماری مسجد

آنچه که در باب سلسله مراتب از دیدگاه علوم و معارف سنتی و ایرانی-اسلامی مطرح شد روشنگر میزان درک و شناخت انسان جامعه سنتی از مسئله سلسله مراتب در جوه و جنبه های مختلف آن می باشد. این درک و شناخت نظری در جامعه سنتی رنگ تعیین به خود گرفته و تاثیرات قابل توجهی در حیطه مصنوعات بشری از جمله معماری و شهر سازی گذارده است.

از آنجا که صنع انسانی، عامل برقراری ارتباط انسان (عالم صغیر) با جهان هستی (عالم کبیر) است، لذا به عنوان واسطه تعامل دو عالم با سلسله مراتب متقن و استوار، مطرح می باشد و چنانچه همسو و متجانس با عوالم پیرامون خود شود و به اعتباری از قوانین و اصول آن بهره مند گردد، می تواند جزئی از نظام هماهنگ واقع شده در آن باشد و به عنوان جزئی از این پیکره زنده عمل نماید.

انسان جامعه سنتی به دلیل پایبندی و اعتقاد به چنین اصولی خود را ملزم به رعایت آن نیز می دانسته است و لذا

ملاصدرا ی شیرازی نیز در باب نفس انسانی قائل به درجات و منازل هفتگانه است. "نخستین منازل نفس انسانی، درجه محسوسات و سیر در عوالم اجرام و اجسام و مادیات است. ... بعد از درجه احساس، درجه خیال و تخیلات و ادراکات خیالی است. ... و مرتبه سوم، درجه و مرتبه موهومات است. ... تا بدین حد هر انسانی که دارای درجات نامبرده به خصوص مرتبه و درجه سوم باشد، با حیوانات و بهائم سهیم و شبیه و شریک است و بعد از طی مراتب مذکور آنگاه به عالم انسانیت ارتقاء می یابد. ... در این مرتبه سطح فکر از معقولات محض و درک علوم و معارف محسوسات بالاتر نرفته و از دلائل عقلیه و براهین دائمی و ابدی بی خبر است و از این جاست که اسم انسانیت به حقیقت بر وی صدق می کند" (ملاصدرا، ۱۳۷۵، ۴۶۶-۴۶۹). مراتب بعد مراتب عقل عملی است که در چهار مرتبه می باشد؛ "عقل جزئی یا عقل معاش، عقل کلی یا نظری (ملائکه ارضیه)، الهام و مشاهده قلبیه یا مرتبه قلب (ملائکه سماویه)، روح یا معنا (ملائکه قرب الهی) است" (رئیس سمیعی، ۱۳۸۲، ۷۸).

خلاصه اینکه انسان به عنوان عالم صغیر آینه تمام نمای عالم کبیر است، پس نفس انسانی نیز دارای شئون و سلسله مراتب مشابه و متناظر عالم کبیر می باشد. در نگرش سنتی این سلسله مراتب به عنوان مبنای برقراری ارتباط انسان با جهان هستی مطرح می باشد (نقی زاده، ۱۳۷۸، ۲۷۷). یعنی هر یک از شئون و مراتب بالقوه نفس انسانی در صورت به فعلیت رسیدن، می تواند منجر به شناخت و ادراک مرتبه وجودی متناظر خود در عالم کبیر شود.

در حکمت ایرانی-اسلامی و در باب سلوک و طی مراتب عالی و پیمودن قوس صعود نیز اصل سلسله مراتب بسیار حائز اهمیت و مورد توجه می باشد. از آنجا که سلسله مراتب سلوک مبین شیوه و روش خاصی از زندگی است لذا می تواند با معماری، به عنوان کالبد زندگی، قرابت و مشابهتی متناظر پیدا کند. پس باید گفت مسئله سلسله مراتب در قوس صعود بیش از سلسله مراتب در قوس نزول (سلسله مراتب وجود) با موضوع معماری قرابت دارد.

از دیدگاه عرفانی رهرو و سالک در صورتی که قصد به فعلیت در آوردن لطیفه ملکوتیه نفس خویش و ارجاع به مراتب عالی وجود را داشته باشد، می بایست سلسله مراتب وجودی قوس نزول را در صعود و شهود کاشفانه خویش و به گمان

سه ایوان فرعی قرار دارد و از شاخص ترین نمونه های آن می توان به مسجد مشیرالملک شیراز، مسجد امام اصفهان، مسجد وکیل شیراز، مسجد نبی قزوین، مسجد جامع قزوین، مسجد امام بروجرد، مسجد امام سمنان و ... اشاره کرد (تصویر شماره ۲).

در این گونه بعد از سردر ورودی و هشتی دقیقاً در قسمت پشتی یکی از سه ایوان فرعی قرار می گیریم، اما ورود به داخل این ایوان به توسط یک پرسین فخر و مدین و پاچنگ^{۱۴} مسدود می باشد. در واقع باید گفت وظیفه این عضو جلو گیری از ورود مستقیم و در عین حال برقراری ارتباط بصری به جهت تشدید میل وصول و شوق دیدار است و بسان "حجاب میان شاهد و مشهود" (بهشتی، ۱۳۷۴، ۳۵) است و به بیان خواجه شمس الدین دیدار نمایاندن و پرهیز کردن است.

دیدار می نمایی و پرهیز می کنی

بازار خویش و آتش ما تیز می کنی

غالباً در مجاورت این عضو برانگیزاننده مسدود، یک یا دو دالان در طرفین ایوان قرار دارد که از طریق آنها می توان وارد صحن و حیاط مسجد شد.

در هر دو گونه ما با مسئله عدم اجازه ورود مستقیم به صحن مسجد از محورهای مرکزی وجوه حیاط مواجه هستیم. حتی در گونه دوم که دقیقاً در برابر محور مرکزی قرار می گیریم نیز، اجازه ورود از محور مرکزی را نمی یابیم. به طور کلی می توان گفت در اغلب موارد در معماری مساجد ایرانی ورود به صحن مسجد از یک یا چند چشمه فرعی پیرامونی صورت می گیرد. در این راستا مقایسه این نحوه ورود به صحن با نحوه ورود به صحن و حیاط گونه های دیگر ابنیه نظیر خانه، باغ، کاروانسرا و سراها می تواند تا حدودی راهگشا باشد.

در خانه های سنتی نحوه ورود به حیاط خانه مشابهت فراوانی با گونه اول مساجد مطرح شده دارد (تصویر شماره ۳). نحوه ورود به فضای باغ در بعضی از باغات نظیر باغ فین نیز مشابه با گونه دوم مساجد مطرح شده می باشد. اما مسئله حائز اهمیت اینست که خانه و باغ جزء ابنیه خصوصی هستند و پیش از دالان منتهی به حیاط به جهت حفظ حریم خصوصی حیاط و انفکاک از عرصه عمومی بیرون است. اما مسجد جزء ابنیه عمومی است و دلایل وجود شکست و پیش از دالان های ورودی و عدم انطباق با محورهای اصلی حیاط نمی تواند مشابه با دلایل مطرح در مورد خانه یا باغ باشد.

اما در کاروانسراها و سراها بعد از عبور از سردر ورودی و گذر از هشتی از داخل ایوان متصل به آن و از محور مرکزی مستقیماً و بدون هیچ مانعی وارد حیاط می شویم. این تفاوت بارز نوع ورود به حیاط به دلیل تفاوت عملکرد و زندگی ساری در هر گونه می باشد و بر ما روشن می سازد که سلسله مراتب محرمیت چگونه که در مسجد مورد نظر می باشد در سرا و کاروانسرا به دلیل نوع عملکردشان موضوعیتی ندارد (تصویر شماره ۴).

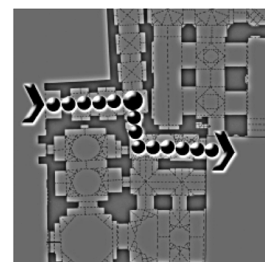
معماری و شهر سازی سنتی، به عنوان یکی از نمودهای بارز مصنوعات بشری و همچنین به دلیل خصوصیت خاص سنت که تجمیع کننده اندوخته های اعصار متمادی است، دارای ابعاد مختلفی از سلسله مراتب گشته است. مساجد نیز به عنوان جزئی از این مجموعه و همچنین به دلیل موضوعیت خاص معنوی و روحانیشان، دارای نظامهای سلسله مراتبی پیچیده ای شده اند و همانطور که گفته شد علاوه بر سلسله مراتب عملکردی و فضایی و بصری و فرمی و ... که در اکثر ابنیه سنتی و مذهبی جهان قابل شناسایی است، دارای سطوح دیگری از سلسله مراتب در بطن خود نیز می باشند که لایه های عمیق تری از وجود آدمی را مخاطب قرار می دهد. یکی از این وجوه سلسله مراتبی تمهیدی است که معماران ایرانی از بدو ورود انسان به مسجد جهت تسهیل محرمیت حضور در حرم قدس الهی در آثار خود به کار گرفته اند.

این ویژگی و بسیاری ویژگی های دیگر که به اعتقاد گروهی از محققان می تواند برآمده از فرهنگ معماری ایرانی باشد^{۱۵} از دوران سلجوقی تدریجاً در معماری مساجد باز نمود می یابد و منجر به ظهور گونه خاصی در معماری مساجد می شود که منحصر به ایران و معماری و فرهنگ ایرانی - اسلامی است. به طور کلی در مساجدی که اصطلاحاً ایرانی نامیده می شوند، در مورد نحوه ورود از فضای بیرون به درون حیاط می توان دو گونه عمده را تشخیص داد.

گونه اول: نحوه ورود به حیاط از یکی از چشمه های فرعی و غالباً در یکی از کنج های حیاط می باشد و از شاخص ترین نمونه های آن می توان به مسجد جامع اصفهان، مسجد جامع اردستان، مسجد آقا نور اصفهان، مسجد حکیم اصفهان، مسجد شیخ علیخان زنگنه اصفهان، مسجد نو اصفهان، مسجد جامع همدان و ... اشاره کرد. در این گونه ابتدا سردر ورودی و بعد از آن هشتی و پس از آن غالباً دالانی قرار دارد که به یکی از چشمه های فرعی رواق های اطراف صحن متصل می شود (تصویر شماره ۱).



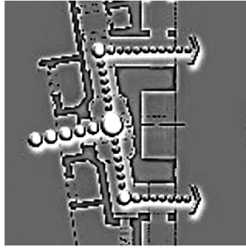
دیاگرام نحوه ورود به مسجد حکیم اصفهان



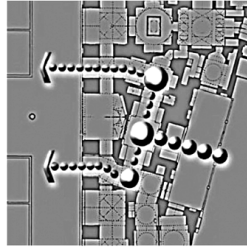
دیاگرام نحوه ورود به مسجد جامع اردستان

تصویر ۱ - دیاگرام نحوه ورود به مساجد از چشمه های فرعی - ترسیم نگارنده (پلانشها بر گرفته از گنجنامه، فرهنگ آثار معماری ایران)

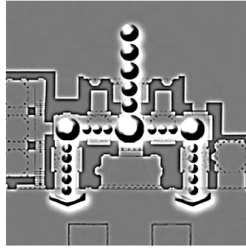
گونه دوم: ورودی مسجد در قسمت پشتی یک یا دو و یا هر



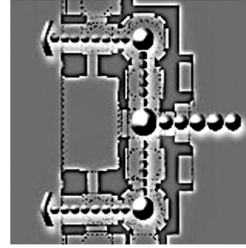
دیاگرام نحوه ورود به مسجد وکیل شیراز



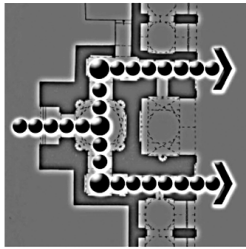
دیاگرام نحوه ورود به مسجد سید اصفهان



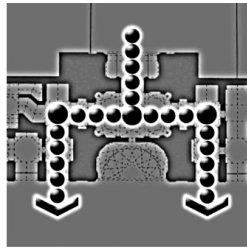
دیاگرام نحوه ورود به مسجد امام بروجرد



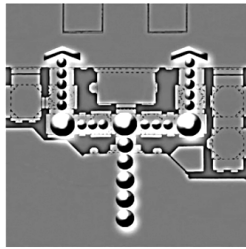
دیاگرام نحوه ورود به مسجد امام بروجرد



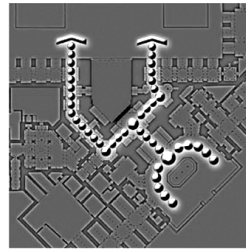
دیاگرام نحوه ورود به مسجد نبی قزوین



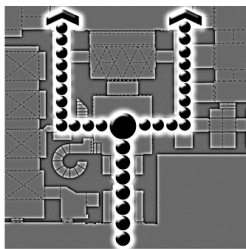
دیاگرام نحوه ورود به مسجد نبی قزوین



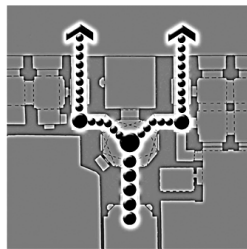
دیاگرام نحوه ورود به مسجد امام بروجرد



دیاگرام نحوه ورود به مسجد امام اصفهان



دیاگرام نحوه ورود به مسجد جامع ورزنه



دیاگرام نحوه ورود به مسجد جامع قزوین

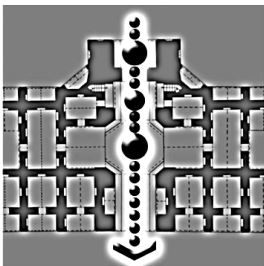


دیاگرام نحوه ورود به مسجد امام سمنان

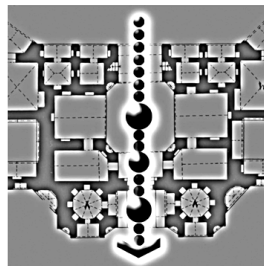


دیاگرام نحوه ورود به مسجد مشیر الملک شیراز

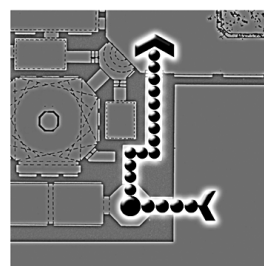
تصویر ۲- دیاگرام نحوه ورود به مساجد از دالان‌های کناری مجاور ایوان- ترسیم نگارنده (پلان‌ها برگرفته از گنجنامه، فرهنگ آثار معماری ایران)



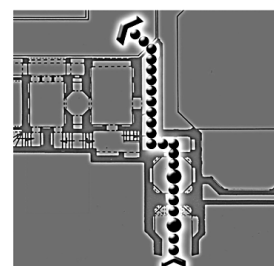
دیاگرام نحوه ورود به کاروانسرای بیستون



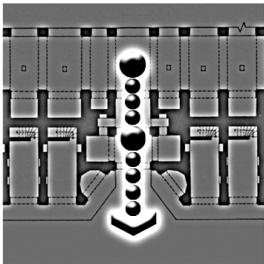
دیاگرام نحوه ورود به کاروانسرای کوهپایه



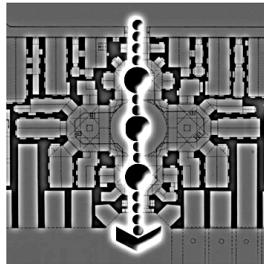
دیاگرام نحوه ورود به خانه بنی کاظمی کاشان



دیاگرام نحوه ورود به خانه طباطبایی کاشان



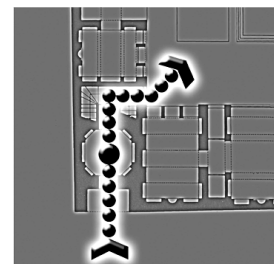
دیاگرام نحوه ورود به سرای میرزا کاظم همدان



دیاگرام نحوه ورود به سرای وزیر قزوین



دیاگرام نحوه ورود به خانه انصاری اصفهان



دیاگرام نحوه ورود به خانه حاج رسولیها اصفهان

تصویر ۴- دیاگرام نحوه ورود به سراها و کاروانسراها- ترسیم نگارنده (پلان‌ها برگرفته از گنجنامه، فرهنگ آثار معماری ایران)

تصویر ۳- دیاگرام نحوه ورود به حیاط خانه - ترسیم نگارنده (پلان‌ها برگرفته از گنجنامه، فرهنگ آثار معماری ایران)

انسان هم هست" (نصر، ۱۳۷۵، ۱۳۰).

اما آنچه که موضوع اصلی این نوشتار است بیان تفاوت بارز نحوه ورود به حیاط و ورود به ایوان و گنبد خانه به منظور روشن نمودن مرتبه ویژه ای از سلسله مراتب در مجموعه فضاهای مسجد است و کشف آنچه که در اثنای این مراتب وقوع می یابد و سبب کسب رخصت عبور از مرکز و محور می شود، تفاوتی در اصل سلسله مراتبی حاکم بر آن ندارد. اما به نوبه خود شغف انگیز و بهجت آفرین است.

تقریرهای گوناگونی که در این باب مطرح می باشد هر کدام مبین گوشه ای از نغز کاری های بی بدیل معماران ایرانی است که گویندگان آن به قول مولانا جلال الدین هر کدام از دریچه ظن و گمان خود یار و همراه آن می شوند. و به ظن و گمان راقم این سطور، شاید فضای صحن و طهارت حاصل از وضو رخصت این عبور است و چنین به نظر می رسد که فضای خالی و ناب حیاط در پیوند با تنزیه و طهارت حاصل از آب موجب انفصال و نزهتی روحانی می شود و بدین ترتیب انسان، محرمیت و رخصت گذر از مرکز و محور را می یابد. این محرمیت که به واسطه وضو و با تسهیل کنندگی و تشدید کنندگی فضای ناب و منفصل کننده^{۱۵} حیاط وقوع می یابد به منزله انفصال و تنزیه از دنیای دنی است و به همین دلیل است که فضای حیاط - فضای احرام و محرم شدن و در حریمی از محرمات قرار گرفتن و "موت ارادی از دنیا و مهیای حضور در پیشگاه مالک یوم الدین شدن" (بهشتی، ۱۳۷۴، ۲۵) است - فضایی تجریدی و مثالین و یکی از اصلی ترین مراتبی که به انسان رخصت گذر از این منزل و انتقال به مرتبه بعد را می دهد. و به قول خواجه شمس الدین هر که این نزهت و پاکی را کسب نماید محرمیت دیده انداختن بر آن پاک را می یابد.

غسل در اشک زدم کاهل طریقت گویند

پاک شو اول و پس دیده بر آن پاک انداز

و هر که محرم شد به قول خواجه اجازه ماندن دارد؛

هر که شد محرم دل در حرم یار بماند

و چنانچه این محرمیت حاصل نشود، یعنی مرتبت آن طی نشود،

استعداد ادراک مرتبه بعدی حاصل نخواهد شد و به قول خواجه؛

و آنسکه این کار ندانست در انکار بماند

اهمیت مرتبه تنزیه و نیالودن حرم الهی را خواجه

شمس الدین در تقریری دیگر چنین بیان می دارد؛

دوش رفتم به در می کده خواب آلوده

خرقه تر دامن و سجاده شراب آلوده

آمد افسوس کنان مغ بچه باده فروش

گفت بیدار شو ای رهرو خواب آلوده

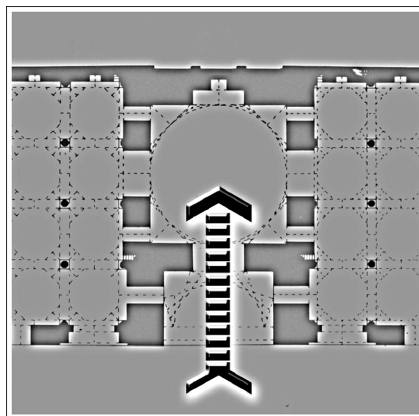
شست و شویی کن و آنگه به خرابات حرام

تا نگرزد ز تو این دیر خراب آلوده

پاک و صافی شو و از چاه طبیعت به درآی

که صفایی نهد آب شراب آلوده

اما مسئله حائز اهمیت دیگر در معماری مسجد نحوه گذر از حیاط به ایوان و گنبد خانه می باشد. این بار بر عکس مرتبه اول که ورود از حاشیه صورت می گرفت دقیقاً از محور مرکزی ایوان وارد فضای گنبد خانه می شویم و دیگر اثری از دالان های کناری نیست و بدون واسطه و حائل از مرکز و محور اصلی وارد فضای گنبد خانه می شویم (تصویر شماره ۵).



تصویر ۵- دیاگرام نحوه ورود از صحن مسجد به ایوان و گنبد خانه (مسجد امام اصفهان) - ترسیم نگارنده (پلان برگرفته از گنجنامه، فرهنگ آثار معماری ایران)

در واقع نکته در خور توجه اینست که در هنگام ورود به حیاط اجازه عبور از محور و مرکز را نداشتیم اما در هنگام خروج از حیاط این رخصت و اجازه را یافتیم. گویا رخدادی وقوع یافته که آن عدم اجازه عبور از محور، منجر به رخصت عبور از اصلی ترین محور می شود و گویا این انسان در حال عبور از ایوان دیگر آن انسان در بدو ورود رانده شده به حاشیه نیست.

این دو گونه برخورد متفاوت با نحوه ورود به دو فضای متعاقب در یک بنای واحد قطع به یقین دلالت بر وجود مراتبی متفاوت دارد. به عبارتی دیگر مظلوف (انسان) این ظرف (مسجد) در حال طی نمودن مراتبی است که کالبد مظلوف (معماری مسجد) سعی دارد هم نوا و متجانس با این مراتب مختلف السطوح گردد و با تمهیداتی وقوع این استحاله را تسهیل و تشدید نماید.

این نحوه ورود از حاشیه و گرایش تدریجی به مرکز منحصر و محدود به معماری مسجد نیست و در نظام اندیشه ایرانی - اسلامی و سلسله مراتب سیر و سلوک دارای زیر ساخت های غنی و عارفانه ایست.

"سماع نیز باغم غربت می آغازد" (نصر، ۱۳۷۵، ۱۳۰)،

همچون غم غربتی که انسان را به سوی اظهار عبودیت و انجام فریضه دعوت می نماید. این غم غربت به تدریج به شکوه و عظمت افلاک راه باز می کند و این عروج سرانجام به فنا و مجذوب شدن در حقیقت می انجامد. "سماع گر آرام آرام از حاشیه به مرکز می آید، به مرکز کائنات که مبدأ وجود خود

قدسی، به واسطه تمهیدات معمارانه بدانیم و سلسله مراتب مَحرمیت به عنوان یکی از وجوه سلسله مراتبی و گوشه های نغز معماری ایرانی-اسلامی از تمهیدات تسهیل کننده و تشدیدکننده احساس مَحرمیت حضور در ساحت قدسی است و بی شک مبین نظام اندیشه و زیر ساخت های غنی تفکر ایرانی-اسلامی با صبغه ای عرفانی است.

به طور خلاصه باید گفت تفاوت نحوه ورود به حیاط و گنبدخانه یکی از تمهیداتی است که معماران ایرانی در راستای تعامل ظرف با مظروف در مسجد از آن بهره گرفته اند. در این تعبیر اگر زندگی مظروف (انسان) را کسب مَحرمیت حضور در ساحت قدسی بدانیم، عمل ظرف (مسجد) را نیز می بایست تسهیل و تشدید همان احساس مَحرمیت حضور در ساحتی

نتیجه گیری

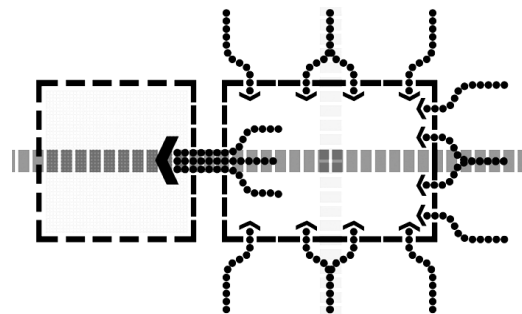
مسجد، سبب خواهد شد تا در نحوه ورود به یک فضا و نحوه ورود به فضای بعدی، تفاوت هایی بوجود آید، تا بدین ترتیب احساس قرار گرفتن در ساحتی دیگرگونه برای مخاطب تسهیل و تشدید شود. بدین ترتیب معماری در جریان انتقال مخاطب از ساحتی به ساحت دیگر دخیل و موثر خواهد بود.

به طور کلی باید گفت در جهان سنت تمایزی میان امر طبیعی و فرا طبیعی دیده نمی شود و تمامی مراتب هستی در تعاملی زنجیروار و در هم تنیده، مستحیل در یکدیگرند و "تمام جهان شناسی های سنتی به طریقی بر این حقیقت اساسی بنیاد نهاده شده اند که حقیقت، سلسله مراتبی است و عالم منحصر به جنبه فیزیکی مادی اش نیست." (نصر، ۱۳۸۰، ۱۶۵) بنابراین در جهان سنت، مقوله ای مانند معماری را به دلیل ساختار مادی اش به ابعاد صرفاً فیزیکی و مادی- نظیر آنچه که در دنیای امروز دیده می شود- تنزل نداده اند. "هدف علوم سنتی شناخت مرتبه ویژه ای از حقیقت در یک دستگاه بسته نیست که از دیگر قلمرو های طبیعت و دیگر مراتب حقیقت بریده باشد، بلکه هدف آن شناختی است که قلمرو مورد نظر را به مراتب بالاتر حقیقت مربوط می سازد و همچنین خود آن شناخت را نیز به مراتب بالاتر شناخت مربوط و متصل می نماید" (نصر، ۱۳۸۰، ۱۵۸).

پس باید گفت یکی از دلایل وجود چنین جنبه هایی در معماری سنتی اینست که؛ شناخت و معرفت سنتی، علوم ودانش های مختلف را در غالب محدوده های محصور و بریده شده از دیگر مراتب حقیقت طبقه بندی نمی نماید و لذا کالبد معماری را با وجوه معنایی متعالی در پیوند و تعامل می بیند.

نتایج حاصل از این نوشتار را می توان در دو سطح تبیین و بررسی نمود.

اول؛ در معماری مساجد ایرانی محل ورود به فضای صحن در اکثریت قریب به اتفاق موارد، انطباقی با محور های گذرنده از مرکز حیاط ندارد و به عبارتی می توان گفت ورود به صحن مسجد از حاشیه صورت می پذیرد. اما محل ورود به ایوان و گنبد خانه دقیقاً منطبق بر محور اصلی قبله می باشد. این تفاوت نحوه ورود به دو فضای متعاقب، مبین وجود گونه ای از سلسله مراتب است که ما در این نوشتار آنرا سلسله مراتب مَحرمیت نامیدیم (تصویر شماره ۶).



تصویر ۶- دیاگرام تفاوت نحوه ورود به صحن و ایوان و گنبدخانه مسجد- ترسیم نگارنده

دوم؛ معماری هر چند دارای ساختاری کاملاً مادی است، اما می تواند در جریان ارتباط نفس ذی وجود انسانی با مراتب عالی و وجود دخیل و مربوط باشد و به عبارت دیگر معماری می تواند تسهیل کننده ادراکات معنوی و تجربیات عرفانی باشد. ملحوظ داشتن تمهیدی همچون سلسله مراتب مَحرمیت در

پی نوشت ها:

- ۱ منظور از مساجد ایرانی، گونه خاصی از مساجد است که برگرفته از اصول اسلامی و تطبیق یافته با فرهنگ معماری ایرانی است و از دوران سلجوقی به بعد بعنوان مسجد گونه ایرانی مطرح و شناخته شده می باشد. "در ایران به ویژه پس از سال ۱۰۰۰ میلادی برابر با ۴۹۳ هجری قمری راهی مختص به خود را می بینیم؛ راه ایرانی که ساختار معماری پیش از اسلام را مورد توجه قرار داده است" (گابه، ۱۳۷۶، ۵۸۰).
- ۲ رجوع کنید به: اردلان، نادر - بختیار، لاله (۱۳۸۰)، حس وحدت، ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، اصفهان، صفحه ۱۶.
- ۳ نقل به مضمون از جلسات مصاحبه با جناب آقای دکتر مهدی حجت.
- ۴ رجوع کنید به: نقی زاده، محمد (۱۳۷۸)، حکمت سلسله مراتب در معماری و شهرسازی، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۵ Ontology
- ۶ این نظریه "هستی هر چیز را با نسبیتی که آن شیء خاص با خود "وجود" دارد یکی می داند و به عبارتی موجودات را چیزی بجز رابطه ای که با "وجود مطلق" دارند نمی داند." (نصر، ۱۳۷۵، ۱۴۰) مولانا جلال الدین محمد این نسبت را چنین بیان می دارد: "اتصال بی تکلیف بی قیاس هست ربالناس را با جان ناس. به تعبیر استیسی؛ وحدت وجود فلسفه ای است که جامع و موید هر دوی این قضایاست، یعنی اول؛ جهان با خدا یکسان است، دوم؛ جهان متمایز از خداست، یعنی با خدا یکسان نیست (کاکایی، ۱۳۸۱، ۸۷). قدمای ما از این تقریر به "وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت" یاد کرده اند (کاکایی، ۱۳۸۱، ۲۱۸).
- ۷ این حضرات (الحضرات الالهیه الخمسه) شامل هویت الهی (هاهوت)، اسماء و صفات الهی (لاهوت)، جهان فرشتگان مقرب (جبروت)، جهان روحانی و اثیری (ملکوت)، و جهان فیزیکی (ملک) می باشد (نصر، ۱۳۸۰، ۱۶۶).
- ۸ به قول هانری کربن این عالم (عالم خیال) همچون "تسمه انتقال" میان عالم محسوسات و عالم عقل عمل می کند (رئیس سمیعی، ۱۳۸۳، ۶۹).
- ۹ Ontology of human
- ۱۰ Purusa
- ۱۱ Chen-jen
- ۱۲ بعضی عرفا این فکر را پایه بیان حقایق عرفانی قرار داده و اسم انسان کامل که جامع کلیه مراتب وجود است را بر کتب و رسائل خود نهاده اند (نصر، ۱۳۵۹، ۱۱۱). در این زمینه رجوع کنید به کتاب "الانسان الكامل"، عزیز نسفی و عبدالکریم جیلی.
- ۱۳ علت اینکه این ویژگی مأخوذ از معماری ایرانی دانسته شده اینست که؛ در بعضی از بناهای پارتی و ساسانی نظیر کاخ آشور و قلعه دختر فیروز آباد و... در مجاورت ایوان، دالانهایی شبیه آنچه که در معماری سلجوقی و بعد از آن در بعضی از ابنیه دیده می شود، وجود دارد. البته باید خاطر نشان ساخت که در دوران سلجوقی از عناصر دیگر معماری قبل از اسلام، نظیر گنبد خانه و همچنین تجانس گنبد و ایوان و... نیز بهره گیری شده است و چنین به نظر می رسد که این باز نمود و بازگشت به فرهنگ معماری ایرانی از ویژگیهای معماری دوران سلجوقی است که در دورانهای بعد از آن نیز ادامه می یابد (رجوع کنید به: گابه، ۱۳۷۶، ۵۹۳-۵۹۶).
- ۱۴ پنجره های مشبک که از زمین فاصله داشته است (پیرنیا، ۱۳۷۸، ۳۷۷).
- ۱۵ درباره خصوصیات مفصل کننده حیات رجوع کنید به: محمدیان منصور، صاحب (۱۳۸۵)، معماری مسجد از مفهوم تا مصداق، طراحی مسجد کوی دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا.

فهرست منابع:

- اردلان، نادر، بختیار، لاله (۱۳۸۰)، حس وحدت، ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، اصفهان.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۷۴)، تأویل معماری مسجد با تأملی در مناسک حج، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد چهارم، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۶۹)، شیوه های معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، مؤسسه نشر هنر اسلامی، تهران.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۶)، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۷۵)، گنجنامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، مساجد اصفهان، دفتر دوم، انتشارات روزنه، تهران.
- حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۸۲)، گنجنامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، مساجد، دفتر ششم، انتشارات روزنه، تهران.
- حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۸۴)، گنجنامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، کاروانسراها، دفتر هفتم، انتشارات روزنه، تهران.

- حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۸۳)، گنجنامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، بناهای بازار، دفتر نهم و دفتر دهم، انتشارات روزنه، تهران.
- حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۸۳)، گنجنامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، مساجد جامع، بخش اول، دفتر هفتم و دفتر هشتم، انتشارات روزنه، تهران.
- رئیس سمیعی، محمد مهدی (۱۳۸۳)، نظریه مراتب وجود، تاویل آن در معماری، پایان نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهر سازی.
- کاکایی، قاسم (۱۳۸۱)، وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستر اکهارت، هرمس، تهران.
- گابه، هانس (۱۳۷۶)، مساجد ایرانی، ترجمه سید محمد طریقی، فصلنامه هنر، شماره ۳۳، صفحات ۵۷۸-۵۹۷.
- محمدیان منصور، صاحب (۱۳۸۵)، معماری مسجد از مفهوم تا مصداق، طراحی مسجد کوی دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا.
- ملاصدرا، شیرازی، صدر الدین محمد (۱۳۷۵)، الشواهد الربوبیه، ترجمه و تفسیر جواد مصلح، انتشارات سروش، تهران.
- ندیمی، هادی (۱۳۷۸)، حقیقت نقش، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۵)، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۷)، نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، انتشارات خوارزمی، تهران.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۰)، معرفت و امر قدسی، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، نشر و پژوهش فرزاد روز، تهران.
- نصری، عبدالله (۱۳۶۳)، سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب، جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- نقی زاده، محمد (۱۳۷۸)، حکمت سلسله مراتب در معماری و شهرسازی، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- الهی قمشه ای، حسین (۱۳۷۷)، مقالات دکتر حسین الهی قمشه ای، انتشارات روزنه، تهران.